



Rethinking identity in the light of spiritual purpose: Phenomenology of Female Students' Lived Experiences in Jihadi Camps

Seyedeh Fatemeh Nemati¹  | Hamid Parsania²  | Younes Nourbakhsh³ 

1. Corresponding Author, PhD Candidate of Cultural Sociology, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: s_f_nemati@ut.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: h_parsania@ut.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ynourbakhsh@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 14 October 2024

Received in revised form: 9

December 2024

Accepted: 25 August 2025

Published online: 1 July 2026

Keywords:

Jihadi camps,

Girls,

Identity,

Rethinking,

Spiritual Purpose.

ABSTRACT

The revision of Feminine identity has been influenced by the acceleration of globalization and modernization, as well as the connection of Iranian women with the modern world and the social developments in Iran over the past century.

The societal and literary manifestations of Iranian women's reevaluation of their individual and social identities are evident in the last few decades. Fariba Vafi is one of the successful Iranian story writers. The Iranian woman's identity is one of Vafi's concerns in his works, such as the novel "A Secret in the Alleys.

The current research, which employs a descriptive-analytical approach, examines the components of female identity and life in this novel .It also addresses issues such as identity crisis, the transition between modern and traditional identity, and the retrieval and revision of feminine identity. It identifies the underlying factors, including aspirations, emotions, needs, and desires and women's reactions to various circumstances. In this novel, along with narrating the three generations of women's lives, the author deals with female identity and its related topics, such as identity crisis, recovery and revision of female identity, and Iranian women's transition from traditional identity to modern identity. The novel is characterized by the pervasive presence of various forms of violence, particularly directed at women by males. In this novel, the author critiques the dominant gender stereotypes and ideology of society and emphasizes the necessity of reevaluating the identity of women and their role and position in the family and society, with awareness and to avoid extremes.

Cite this article: Nemati, S. F., Parsania, H., & Nourbakhsh, Y. (2026). Rethinking identity in the light of spiritual purpose: Phenomenology of Female Students' Lived Experiences in Jihadi Camps. *Woman in Culture and Art*, 18(2), 235-258. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.383264.2091>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.383264.2091>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

بازاندیشی هویت در پرتو هدف معنوی؛ پدیدارشناسی تجربه زیسته دختران دانشجو از اردوهای جهادی

سیده فاطمه نعمتی^۱ | حمید پارسانیا^۲ | یونس نوربخش^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: s_f_nemati@ut.ac.ir

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: h.parsania@ut.ac.ir

۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ynourbakhsh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: اردوهای جهادی، بازاندیشی، دختران، هدف معنوی، هویت.</p>	<p>دو دهه از شروع اردوهای جهادی دانشجویی می‌گذرد و به مرور زمان اشتیاق برگزاری این اردوها با توجه به آمار افزایش یافته است. داوطلبانه‌بودن، نبود امتیازات ویژه برای شرکت‌کنندگان، شرایط نامناسب مناطق محروم، تفاوت خدمات ارائه‌شده گروه‌های جهادی با آنچه دانشجویان در دانشگاه آموخته‌اند و اشتیاق دانشجویان به این تجربه نشان می‌دهد اردوهای جهادی به‌عنوان بستری مهم در ایجاد تجربه زیسته نیازمند مطالعات اجتماعی است. هدف این مقاله، مطالعه تجربه زیسته دختران دانشجویی است که در اردوهای جهادی شرکت کرده‌اند. با رویکرد کیفی و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و نمونه در دسترس، با ۲۱ دانشجوی شرکت‌کننده در اردوهای جهادی مصاحبه شد. مطابق نتایج، علاقه به تجربه بستری جدید، زندگی گروهی، ارتباط با مردم و فرهنگ متفاوت از مهم‌ترین دلایل بود. در بخش دستاوردها، تلفیق جمع‌بودگی و گسست از جمع، بازاندیشی هویت فردی و جمعی، انقطاع از جایگاه علمی، گسست تجربه انباشته و تجربه در لحظه، معنایابی جمع فراغت و اشتغال در زندگی معطوف به هدف معنوی، فهم از عرف منطقه‌ای و نزدیکی با بوم متفاوت و انقطاع از الگوهای مبتنی بر فاصله طبقاتی و بازیابی خود در شبکه جدید مقوله‌های اصلی محسوب می‌شود. همچنین اکثر مصاحبه‌شوندگان تغییر الگوی هویتی و ایجاد زمینه جدیدی از کشف خود در اردوهای جهادی با محوریت هدف معنوی را مهم‌ترین نتیجه این تجربه عنوان کردند.</p>

استناد: نعمتی، سیده فاطمه، پارسانیا، حمید و نوربخش، یونس (۱۴۰۵). بازاندیشی هویت در پرتو هدف معنوی؛ پدیدارشناسی تجربه زیسته دختران دانشجو از اردوهای

جهادی. زن در فرهنگ و هنر، ۱۸ (۲)، ۲۵۸-۲۳۵. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.383264.2091>

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.383264.2091>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

اردوی جهادی در اصطلاح عبارت است از مجموعه اقدامات سازنده و اثرگذار اقشار متنوع مردم در قالب گروه‌های خودجوش برای حضور فعال و کارآمد در نقاط آسیب‌پذیر و نیازمند و برآمده از اخلاص، همت، مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی و روحیه مبارزه، با رسالت خودسازی جهادی و خدمت‌رسانی مادی و معنوی در راستای دستیابی به قله‌های عالی اهداف انقلاب اسلامی ایران. اردوهای جهادی مجموعه فعالیت‌هایی است مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی انقلابی و بومی که در آن تعدادی از دانشجویان، طالب حوزه‌های علمیه، دانش‌آموزان یا دیگر اقشار، خودجوش و داوطلبانه در مناطق محروم کشور حاضر می‌شوند و با هدف محرومیت‌زدایی به عرضه انواع خدمات اعم از فرهنگی، آموزشی، تحصیلی، بهداشتی و اقتصادی می‌پردازند (Hosseinzadeh & Eftekhari, 2016). تا پیش از سال ۱۳۷۹، برگزاری اردوهای جهادی به شکل امروزی آن مرسوم نبود، اما با شکل‌گیری این فعالیت‌ها در دانشگاه‌ها و پیام رهبر انقلاب، بسیاری از دانشگاه‌ها با همکاری نهادهای مختلف اقدام به شکل‌دادن هسته‌های جهادی و برگزاری اردو در مناطق محروم کردند.

بیش از دو دهه از برگزاری این اردوها می‌گذرد و باید توجه داشت که:

- اردوهای جهادی گسترده‌ترین و منسجم‌ترین شکل فعالیت داوطلبانه و جهادی است که دختران و پسران در دانشگاه‌ها آن را تجربه می‌کنند؛
- این شکل از تجربه زندگی اردویی بدون دریافت دستمزد و سپری کردن مدت مشخصی در مناطق محروم که عملاً با مشکلات متعددی همراه است، به‌ندرت در سایر عرصه‌های زندگی افراد رخ می‌دهد؛
- تجربه همراه با حس معنوی در کنار تلاش برای مردمی که به‌لحاظ فرهنگی فاصله زیادی با زندگی شهری دارند، منحصر به فرد تلقی می‌شود؛
- رویکرد دینی ایثار و از خودگذشتگی وجه غالب این اردوها است و علی‌رغم آنکه افراد با زمینه‌های فرهنگی متفاوتی وارد این مسیر می‌شوند، تجربه اردوها معمولاً همراه با نوعی تجربه دینی رخ می‌دهد؛
- عمده دختران شرکت‌کننده در این اردوها، خارج از قاعده سیستمی هسته‌های جهادی، به‌دلیل مسائل فرهنگی و عرفی نمی‌توانند چنین فضایی را تجربه کنند و از این رو برای دختران بیش از پسران این تجربه معنادار است.

با توجه به مستمر بودن این اردوها و اقبال گروه‌های مختلف دانشجویی به برگزاری آن علی‌رغم نداشتن امتیازات ویژه برای شرکت‌کنندگان، فهم تجربه افراد و به‌ویژه بانوان برای شرکت در چنین

فعالیت‌هایی از منظر جامعه‌شناسی مورد توجه خواهد بود. اهمیت تجربه زیسته زنان در تحقیقات اجتماعی به چندین جنبه کلیدی بازمی‌گردد که هر یک از آن‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر فهم ما از جامعه و تغییرات اجتماعی دارند (Oakley, 2016). نخستین و شاید اساسی‌ترین دلیل اهمیت این موضوع، فراهم‌آوردن نگاهی جامع‌تر و واقعی‌تر به واقعیت‌های اجتماعی است. تجربیات زنان اغلب با چالش‌ها، فرصت‌ها و واقعیت‌هایی همراه است که ممکن است در مطالعاتی که صرفاً براساس تجربه مردان بنا شده‌اند، نادیده گرفته شوند. این تجربیات می‌توانند شامل مواردی مانند نابرابری‌های جنسیتی، نقش‌های اجتماعی، مسئولیت‌های خانوادگی و دیگر جنبه‌های زندگی روزمره زنان باشند. دومین دلیل اهمیت تجربه زیسته زنان در تحقیقات اجتماعی، بهبود عدالت اجتماعی و افزایش آگاهی از مسائل جنسیتی است. با در نظر گرفتن تجربیات زنان، محققان می‌توانند ضعف‌ها و نابرابری‌های موجود در ساختارهای اجتماعی را بهتر شناسایی کنند و پیشنهادهایی برای بهبود شرایط ارائه دهند. این امر به نوبه خود می‌تواند به توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی منجر شود که به رفع این نابرابری‌ها کمک می‌کند.

در نهایت، مطالعه تجربه زیسته زنان در تحقیقات اجتماعی به تعمیق فهم ما از تعاملات انسانی و پویایی‌های اجتماعی کمک می‌کند. زنان اغلب نقش‌های متعددی در خانواده، محیط کار و جامعه دارند که هر یک از این نقش‌ها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر زندگی آن‌ها داشته باشد. با مطالعه و تحلیل این تجربیات، محققان می‌توانند به درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری و تحول هویت‌ها و روابط اجتماعی دست یابند. به ویژه ورود به حوزه فعالیت‌های داوطلبانه توأم با انگیزه‌های دینی در سنین جوانی و ویژگی‌های خاص آن دوران و تأثیر بر ادراک افراد در مراحل بعدی زندگی جامعه ایران باید مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور در این پژوهش تجربه دختران دانشجویی که در اردوهای جهادی بیش از یک بار شرکت کرده‌اند، مطالعه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه نظری

در حوزه نظری، دو رویکرد قابل توجه است:

الف) سازمان‌های ایمان‌محور که در کشورهای مختلف سابقه زیادی دارد؛ سازمان‌های مردم‌پایه یا غیردولتی از پیشران‌های کلیدی برای تغییرات اجتماعی و دستیابی به نقاط عطف تاریخی جوامع هستند. از این سازمان‌ها تعاریف متعددی ارائه شده است: گروه‌ها و نهادهایی که کاملاً مستقل از دولت هستند و مشخصه اصلی آن‌ها این است که دارای اهداف بشردوستانه، همکاری‌آمیز یا تجاری

هستند. سازمان‌های مبتنی بر ایمان^۱، به نهادها و سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که بر پایه اصول و اعتقادات دینی و معنوی تشکیل شده‌اند و فعالیت‌های خود را با توجه به این اصول و ارزش‌ها هدایت می‌کنند.

تعاریف مختلف از این سازمان‌ها معمولاً آن‌ها را به‌عنوان مرتبط با یک ایمان خاص توصیف می‌کنند (Clarke & Jennings, 2007; Aoun & Tournois, 2015; Hoda & Lal, 2015; Gupta, 2015). دین برای هویت سازمانی این نهاد مهم است. با این حال، بسیاری از این سازمان‌ها سعی کرده‌اند ریشه‌های دینی خود را کم‌اهمیت جلوه دهند؛ با این باور که ممکن است مانع دستیابی به اهداف اجتماعی و سیاسی آن‌ها شود (Bielefeld & Cleveland, 2013). از مهم‌ترین ویژگی‌های کلیدی سازمان‌های مبتنی بر ایمان عبارت‌اند از: ۱. ارزش‌ها و اعتقادات دینی؛ ۲. خدمات اجتماعی؛ ۳. نقش جامعه‌سازی؛ ۴. مشارکت در توسعه و کمک‌های بین‌المللی؛ و ۵. تأثیر بر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها.

پرداختن به مسئله جنسیت و تجربه حضور در سازمان‌های مدنی و داوطلبانه نیز اهمیت دارد. تفاوت‌های جنسیتی بسته به نوع و ساختار نظرسنجی و کشوری که در آن نظرسنجی انجام شده، متفاوت است. اکثر نظرسنجی‌های انجام‌شده در آمریکا نشان می‌دهد زنان بیشتر از مردان در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند (Bureau of Labor Statistics, 2009; Independent Sector, 2001; Rooney, Steinberg, & Schervish, 2004; Taniguchi, 2006; Themudo, 2009; Wilson & Musick, 1997).

تفاوت‌های جنسیتی نیز در نوع سازمان‌هایی که افراد به آن‌ها کمک مالی می‌کنند وجود دارد. زنان تمایل دارند مبالغ کمتری را به تعداد بیشتری از گروه‌ها اهدا کنند (Andreoni et al., 2003; Brown, 2005; Piper & Schnepf, 2008). زنان بیشتر تمایل دارند به سازمان‌های آموزشی (Rooney, Brown, & Mesch, 2007) و خیریه‌های خدمات انسانی (Marx, 2000) کمک کنند؛ در حالی که مردان بیشتر تمایل دارند به گروه‌های ورزشی و تفریحی کمک مالی کنند (Andreoni et al., 2003). تحقیقات در مورد اینکه آیا زنان یا مردان بیشتر به خیریه‌های مذهبی کمک می‌کنند، متفاوت است (Brown & Ferris, 2007; Piper & Schnepf, 2008; Regnerus, Smith, & Sikkink, 1998; Yen, 2002).

بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد مسئله جنسیت در تجربه فعالیت‌های داوطلبانه حائز اهمیت و دارای نتایج قابل توجه است. چنان‌که در مطالعات مرتبط با مذهب نشان داده شده است که زنان

¹. Faith-Based Organizations (FBOs)

بیش از مردان نسبت به انجام مناسک اشتیاق دارند و عمده فعالیت‌های داوطلبانه به‌دلیل نقش انگاره‌های مذهبی می‌تواند عرصه ظهور زنان باشد.

ب) پژوهش‌های صورت‌گرفته در عرصه هویت به‌طور گسترده از نقش مذهب در شکل‌دهی به هویت افراد و گروه‌ها غفلت ورزیده‌اند. این در حالی است که با تأمل در رابطه دین و هویت درمی‌یابیم که میان این دو نسبت محکمی برقرار است. مذهب اساساً منابع شناختی ایدئولوژیکی، جامعه‌شناختی و معنوی را برای هویت به‌دست می‌دهد (Foro et al., 2004). مذهب از گذشته تاکنون عامل به‌وجودآورنده هویت مشخص برای معتقدان خود و تمایز میان آن‌ها بوده که اعتقادی به آن نداشته‌اند؛ یعنی هویت انسان‌ها با مذهب و دین آن‌ها شناخته می‌شد. یهودی مسیحی و مسلمان بودن، هویت فرهنگی انسان‌های مختلف را به نمایش می‌گذاشت. به این ترتیب دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل اجتماعی‌کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک یکپارچه‌سازی جامعه و حفظ ثبات اجتماعی، تنظیم منابع و تقویت نظارت اجتماعی را برعهده داشته‌اند. ادیان جهان به نیازهای مختلف فرد نظیر ثبات در عرصه‌های اجتماعی، جغرافیایی هستی‌شناختی زمانی و متافیزیکی پاسخ می‌دهند. نظام معانی مذهبی طیف وسیعی از صورت‌های ممکن روابط فرد با خود، دیگران، جهان انسانی، هستی، خدا یا هر آنچه را که انسان واقعیت یا حقیقت می‌نامد تبیین می‌کند. هیچ منبع فرهنگی معنابخش دیگری به‌لحاظ تاریخی نتوانسته است با دین در پاسخ به این نیاز انسانی یعنی هویت‌سازی رقابت کند. در نتیجه دین عمدتاً در مرکز هویت فردی و گروهی قرار دارد (Ghanbari & Hemmati, 2015).

گرینفلد و مارک (۲۰۰۷) با نظریه هویت اجتماعی به موضوع هویت مذهبی پرداختند. آن‌ها مدعی شدند که عضویت در گروه اجتماعی می‌تواند به خودپنداره و هویت فرد شکل دهد. از نظر آن‌ها تعاملات مکرر با گروه‌های مذهبی از طریق مشارکت مذهبی رسمی، هویت اجتماعی-مذهبی فرد را ارتقا می‌دهد و شکل‌گیری هویت به‌نوبه خود نقش مثبتی در سلامت روانی افراد دارد. اش‌مور و همکاران (۲۰۰۴) چارچوب هویت جمعی را به‌منزله راهی برای فهم هویت مذهبی در برابر سایر نظریه‌های رقیب (مثل نظریه هویت اجتماعی و خود گروه‌بندی) ارائه دادند. آن‌ها به دو دلیل چارچوب خود را هویت جمعی نامیدند. اول اینکه به‌لحاظ نظری همه جنبه‌های آن متأثر از جامعه است. افراد تلقی‌شان از خودشان را در بستر مناسبات اجتماعی بین افراد به‌دست می‌آورند. همه هویت‌ها مانند هویت فردی ذاتاً اجتماعی هستند. دلیل دوم ترجیح هویت جمعی، اجتناب از اغتشاش معنایی آن با هویت اجتماعی بود.

گیدنز هویت را چیزی می‌داند که فرد به آن آگاهی دارد و صرفاً در تداوم کنش‌هایش به او تفویض نشده است، بلکه فرد به‌طور مداوم و روزمره باید آن را ایجاد کند. به اعتقاد وی «هویت امروزین نوعی دستاورد بازتابی است. روایتی که برای هویت خویش در نظر می‌گیریم، الزاماً باید در ارتباط با تغییرات سریع زندگی اجتماعی (به مقیاس محلی و جهانی) شکل بگیرد، دگرگون شود و به‌طور بازتابی، استحکام یابد. فرد باید اطلاعات حاصل از انواع تجربیات با واسطه (منظور فناوری‌های مدرن پیام‌رسانی مانند تلفن، کامپیوتر و رسانه‌های جمعی) را چنان با مسائل محلی در هم بیامیزد که در نهایت بتواند طرح‌های آینده را به طرز منسجم و معتدل با تجربیات گذشته مرتبط سازد. این مقصود فقط هنگامی به تحقق خواهد پیوست که شخص قادر باشد به اصالت درونی دست یابد. منظور چارچوبی از اعتماد بنیادین است که به وسیله آن بتوان دوره عمر را به‌عنوان نوعی وحدت، در برابر رویدادهای اجتماعی پراکنده‌ساز در نظر گرفت» (Giddens, 2010: 301).

گیدنز بین دو نوع هویت دینی سنتی و هویت دینی بازاندیشانه تفاوت قائل می‌شود: الف) هویت دینی سنتی: ارزش‌ها و احساسات و شناخت‌های این نوع هویت در شرایط جامعه‌پذیری به فرد منتقل می‌شود و کمتر مورد واریسی و کندوکاو قرار می‌گیرد؛ ب) هویت دینی بازاندیشانه: در این نوع هویت، ارزش‌ها و احساسات و شناخت بیشتر مورد بازبینی و نقد قرار گرفته و فرایند شک‌اندیشی در مورد آن‌ها ویژگی سیال و بازتابنده دارد. هویت دینی در واقع کنش کنشگران اجتماعی در مواجهه با دین و نوع نگرش به دین است (Javadi Yeganeh, Azizi, & Ansari, 2013: 86).

۲-۲. پیشینه تجربی

در نهایت، مطالعه تجربه زیسته زنان در تحقیقات اجتماعی به تعمیق فهم ما از تعاملات انسانی و پویایی‌های اجتماعی کمک می‌کند. زنان اغلب نقش‌های متعددی در خانواده، محیط کار و جامعه دارند که هر یک از این نقش‌ها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر زندگی آن‌ها داشته باشد. با مطالعه و تحلیل این تجربیات، محققان می‌توانند به درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری و تحول هویت‌ها و روابط اجتماعی دست یابند؛ به‌ویژه ورود به حوزه فعالیت‌های داوطلبانه توأم با انگیزه‌های دینی در سنین جوانی و ویژگی‌های خاص آن دوران و تأثیر بر ادراک افراد در مراحل بعدی زندگی جامعه ایران باید مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور در این پژوهش، تجربه دختران دانشجویی که در اردوهای جهادی بیش از یک بار شرکت داشته‌اند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بررسی تجربه زنان و دختران از فعالیت‌های جهادی تاکنون انجام نشده است. در حوزه‌ای مشابه، درباره تجربه زنان در نهادهای داوطلبانه مطالعات بسیار محدودی صورت گرفته است. پژوهشی که

در حوزه مشارکت اجتماعی و مدنی به انجام رسیده است، نشان از کمبود نرخ مشارکت مدنی زنان در مقایسه با مردان و متفاوت بودن کم و کیف مشارکت مدنی در بین خود زنان دارد (Abdullahi, 2004). در میان گونه‌های مشارکت، مشارکت زنان عمدتاً مذهبی و خیریه‌ای است و مشارکت نهادی (انجمنی) در پایین‌ترین سطح قرار دارد (Ghaderzadeh & Yousefvand, 2013). نتایج پژوهش شادی‌طلب و کمالی (۲۰۰۲) نیز مؤید آن است که سطح مشارکت مذهبی-خیریه‌ای زنان تهرانی بالاتر از حد متوسط است و گرایش اندکی به سایر انواع مشارکت‌های اجتماعی در زنان وجود دارد. در تحقیق محسنی و همکاران (۲۰۱۳)، عوامل مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد بررسی شد. نتایج نشان داد رضایت از زندگی، عضویت خانواده در سمن‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان، مصرف رسانه‌ای، آگاهی سیاسی، پایگاه اقتصادی و انسجام خانوادگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر انگیزه مشارکت زنان دارند. طیب‌نیا و ربانی (۲۰۱۸) نیز به این نتیجه رسیدند که در دین اسلام، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زنان آزاد است و توانمندسازی زنان می‌تواند با استفاده از پشتوانه اعتقادی، زمینه رشد زنان را فراهم کند. آن‌ها بر لزوم مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه و خیرخواهانه تأکید ورزیدند و عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی را به عنوان مؤثرترین عوامل بر میزان مشارکت زنان در امور خیر ذکر کردند. قادرزاده و رضازاده (۲۰۲۰) نیز در بررسی مشارکت زنان در نهادهای مدنی دریافتند مشارکت زنان تحت تأثیر منابع دردسترس و تجربه‌های زیسته آنان است. عوامل تسهیل‌کننده و مداخله‌گر مانند بازتعریف خود، اخلاق مدنی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت فرصت‌های اجتماعی، به مشارکت زنان در انجمن‌های مدنی کمک می‌کند و پیامدهای فردی، اجتماعی و فرهنگی برای آنان دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

درباره تجربه افراد از اردوهای جهادی و به‌ویژه دختران دانشجو، هیچ پژوهشی تاکنون انجام نشده و بنابراین انتخاب رویکرد کیفی برای بررسی درک آن‌ها از مسئله مناسب‌تر است. یکی از روش‌های کسب اطلاع از جامعه مخاطب، بررسی تجربیات زیسته آنان است. روش تحقیق در این پژوهش کیفی است و در سطح توصیف و تحلیل به تجربیات زیسته دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران در تابستان ۱۴۰۲ حاضر در اردوهای جهادی می‌پردازد. رویکرد پدیدارشناسی مناسب‌ترین روش برای بررسی تجربیات زیسته افراد محسوب می‌شود (Creswell, 2007). پدیدارشناسی به‌عنوان رویکرد پژوهشی در جست‌وجوی معانی و جوهره‌های تجارب افراد است و واقعیت‌ها را در روایت افراد از تجربیاتشان دنبال می‌کند (Bodlai, 2018). در این مقاله به‌منظور

تحلیل تجربیات دختران دانشجو از اردوهای جهادی از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری ون منن (۱۹۹۰) استفاده شده است. به نظر ون منن پدیدارشناسی فرایندی تفسیری است که در آن پژوهشگر به تفسیر معنای تجارب زیسته افراد می پردازد.

جامعه مورد پژوهش در این مقاله همه دانشجویان دختری هستند که بیش از یک بار اردوهای جهادی را تجربه کرده اند. به دلیل ساختاریافتن تجربه ها و ته نشست فرد از آنچه دریافت کرده، دانشجویانی که بار اول برای رفتن به اردو داوطلب شده بودند، از جامعه آماری حذف شدند. بدین ترتیب براساس نمونه گیری هدف دار گروهی از دانشجویان دختر در دسترس انتخاب شدند. در روش کیفی به پژوهشگران توصیه می شود با ۵ تا ۲۵ نفر از افرادی که همگی پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده اند مصاحبه شود (Mohammadi, 2023: 123). نمونه ها نیز براساس اصل اشباع نظری تعیین شدند. به منظور نیل به اشباع نظری، پس از پایان هر مصاحبه کدگذاری های لازم انجام می شد تا در صورتی که داده ای تکراری باشد، نمونه گیری را متوقف کنیم و به تحلیل داده ها در مراحل بعدی پردازیم. سوالات مصاحبه با انتهای باز، مشارکت کننده را به سمت بیان خود که مورد نظر پژوهش بود هدایت می کرد. همچنین پاسخ دهندگان اجازه داشتند تا به ابعادی از سوالات پاسخ دهند که بیشتر مایل بودند (Tabrizikahou, Tabrizi, & Boroumand, 2024). در نهایت ۲۱ مصاحبه اصلی با دخترانی که در دوران دانشجویی حداقل دو بار به اردوهای جهادی رفته بودند، صورت گرفت و سپس سه مصاحبه برای کنترل انجام شد که به دلیل تکراری بودن مضامین حذف شدند. روش جمع آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود تا افراد بتوانند تا حد نهایت رضایت از ابعاد تجربه خود صحبت کنند. هر مصاحبه بین یک تا دو ساعت طول کشید و پس از مکتوب کردن متن مصاحبه ها، کدگذاری باز و مقوله بندی انجام شد. سپس به منظور رعایت پایداری، مضامین استخراج شده برای تمام مصاحبه شوندگان ارسال شد تا تأیید شود. مشخصات پاسخگویان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. لیست افراد مصاحبه شونده

کد	نام	سن	استان	رشته تحصیلی	وضعیت تاهل
۱	عاطفه	۲۲	اراک	جغرافیا	مجرد
۲	پریسا	۲۴	تهران	روان شناسی	مجرد
۳	فاطمه	۲۳	تهران	ارشد مدیریت	متاهل
۴	لیلا	۲۶	قم	ارشد الهیات	متاهل
۵	فاطمه	۲۱	البرز	ارشد فیزیوتراپی	مجرد
۶	نگار	۲۵	شیراز	ارشد اقتصاد	مجرد

کد	نام	سن	استان	رشته تحصیلی	وضعیت تأهل
۷	روژان	۲۷	کرمانشاه	داروسازی	متأهل
۸	المیرا	۲۸	آذربایجان غربی	داروسازی	مجرد
۹	مریم	۲۶	تهران	دندان پزشکی	مجرد
۱۰	رودینا	۲۸	خراسان رضوی	دندان پزشکی	مجرد
۱۱	مانده	۲۴	تهران	علوم تربیتی	متأهل
۱۲	فرزانه	۲۳	تهران	مهندسی کشاورزی	متأهل
۱۳	سارینا	۲۵	مازندران	ارشد مشاوره	مجرد
۱۴	زهرا	۳۰	تهران	دکتری فلسفه	متأهل
۱۵	زهرا	۲۴	شیراز	ارشد روان شناسی	مجرد
۱۶	مهرداد	۲۲	شیراز	جامعه‌شناسی	مجرد
۱۷	ساره	۲۷	مازندران	ارشد کشاورزی	مجرد
۱۸	انسپه	۲۳	سمنان	خبرنگاری	متأهل
۱۹	فهیمه	۲۹	اصفهان	ارشد مطالعات انقلاب	مجرد
۲۰	مرضیه	۲۶	بوشهر	ارشد کارگردانی	متأهل
۲۱	زهرا	۲۳	خوزستان	تئاتر	مجرد

۴. یافته‌ها

شاید دو دهه پیش، معنای حریم شخصی به دلیل شکل خانه‌ها و تعداد افراد ساکن در خانه، نبود تلفن همراه و عادت زندگی در خانواده‌های گسترده، برای مردم شهری به شکل امروزی نبود. در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها حدود ارتباطات خود را کاهش داده‌اند، حریم شخصی و عمل به سبک دلخواه برای نوجوانان و جوانان معنا یافته است، افراد بسیار راحت‌تر از گذشته از قوانین جمعی منفک می‌شوند و انتخاب نوع و سبک رفتاری را جزوی از حقوق فردی و شهروندی می‌دانند. این مسئله در بین دانشجویان نیز متداول است و اکثر کسانی که در دانشگاه‌های مطرح کشور تحصیل می‌کنند، از خانواده‌های برخوردار هستند و ویژگی‌های فوق در سبک زندگی آن‌ها وجود دارد. تمام کسانی که در این پژوهش مورد پرسش قرار گرفتند معتقد بودند تجربه این اردوها مشابه هیچ‌یک از سفرهای جمعی گذشته نبوده و در بسیاری از موارد با مدل زندگی آن‌ها در خانواده یا دوستان متفاوت است. آن‌ها بیان کردند که شاید اگر جزئیات این سفر برایشان عنوان شده بود، آن را تجربه نمی‌کردند، اما از تجربه خود رضایت دارند. بیشتر این افراد عنوان کردند که بخشی از تجربیات این سفر نگاه آن‌ها به زندگی و مسیر آینده را دست‌کم تا مدتی متحول کرده است.

۴-۱. تلفیق جمع‌بودگی و گسست از جمع

هویت، شباهت‌ها (اینکه چه گروه‌هایی مانند ما هستند) و تفاوت‌ها (اینکه چه گروه‌هایی مانند ما نیستند) را مشخص می‌کند. ما ممکن است در برخی از مؤلفه‌های هویتی خود با گروهی مشابه و در بسیاری جنبه‌های دیگر از دیگران متمایز باشیم. در این شکل برخی از عناصر هویتی تا اندازه‌ای خصلت انتخابی نیز پیدا می‌کند و فرد در برگزیدن آن‌ها مختار است؛ بنابراین چنان‌که اریکسون اشاره می‌کند، وقتی هویت انتخابی شود میزان آگاهی نیز از آن بیشتر است (Erikson, 1956). دختران معتقد بودند آنچه در اردوهای جهادی تجربه می‌کنند، بنا به نوع ساختار درونی اردوها، ساختن جمعی یک هدف در عین تلاش برای بهتر بودن به لحاظ فردی است؛ چرا که خرده‌گروه‌های تشکیل‌دهنده اردو در عین آنکه وظایف مشخصی دارند، باید در منطقه عمل خود بتوانند به‌عنوان یک فرد موفق عمل کنند. از سویی زندگی در جمع افراد در محل استقرار به‌دلیل محدودیت مکان به‌گونه‌ای است که چیزی به نام حریم خصوصی وجود ندارد و در عین حال فرد باید بتواند به امورات شخصی خود بپردازد. انجام اعمال دلخواه عملاً محدود می‌شود و علی‌رغم آنکه رویکرد این اردوها داوطلبانه است، فرد موظف به انجام برنامه‌هایی مشخص است.

جدول ۲. مقوله‌های فرعی مفهوم «تلفیق جمع‌بودگی و گسست از جمع»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
تغییر عادات شخصی	«من عادت به خوردن صبحانه نداشتم، ولی باید صبحانه را همراه بقیه می‌خوردم، و گرنه تا ظهر چون می‌رفتیم روستا، خبری از خوراکی نبود و حق نداشتم کیک و آمیوه‌ای که به ما می‌دادند، جلوی بچه‌ها بخوریم.» «تقریباً استفاده من از تلفن همراه به صفر رسیده بود. اصلاً وقت نمی‌کردم که به گوشی سر بزنم؛ درحالی که من در زندگی عادی خیلی زیاد با تلفن حرف می‌زنم و جالبه که این تغییر اذیتم نمی‌کرد.»
تلاش برای باقی ماندن در مسیر جمعی	«چند روز اول خیلی جدی تلاش کردم که براساس عادت‌های شخصی عمل کنم، اما رسماً هیچ کسی از کار من حمایت نکرد. حتی جالب بود که دوستانم من را به جمع‌گریزی متهم کردند. در نتیجه هم مجبور شدم و هم علاقه پیدا کردم که در انتخاب‌ها یا انجام کارها، صورت جمعی را رعایت کنم.»
تجربه‌های جدید فردی	«من تا این اردوها اصلاً کار آشپزخانه ای نکرده بودم. نهایتاً دو تا ظرف ساده شسته بودم و حالا با توجه به نوبت بندی، برخی شب‌ها مجبور بودم که با یک نفر دیگر، ظرف ۴۰ نفر را بشوریم! اولش سخت بود، ولی الان دلم تنگ شده برای آن روزها.»
یافتن مسیر زندگی با جمع	«اینکه بقیه خوشحالن و تو ناراحت یا اینکه بقیه ناراحتن و تو خوشحال و در عین حال باید با جمع حرکت کنی، برای من تجربه جدیدی بود. در زندگی عادی من درون‌گرا هستم، اما اینجا تناقض‌پذیر هم شدم و فهمیدم می‌تونم تحمل کنم.»

۴-۲. انقطاع از جایگاه علمی و گسست تجربه انباشته و تجربه در لحظه

بوردیو در کتاب *انسان‌دانشگاهی* نشان می‌دهد گفتمان دانشگاهی و زبانی که برای آن به کار می‌رود، خود را پشت نوعی خنثی‌بودن و نوعی فراتر بودن از درگیری‌های اجتماعی و سیاسی و علم جهان‌شمول و نبود اختلاف میان دانشمندان پنهان می‌کند. این در حالی است که گفتمان دانشگاهی، به دلیل اختلاف طبقاتی و امتیازهای اجتماعی میدان علمی، وابستگی این میدان با میدان سیاسی و نبود مرزهای دقیق و آمیزش دائم میان علم دانشگاهی و علم مردمی یا عقل سلیم، نمی‌تواند آن‌قدر منسجم و عقلانی باشد که وانمود می‌کند. در حقیقت میدان علم دانشگاهی بیشتر سبب بازتولید نوعی اشرافیت اجتماعی می‌شود تا تحرک اجتماعی و صرفاً توهمی است که این باور را ایجاد می‌کند که افشار پایین با آموختن علم می‌توانند راهی برای دستیابی به رده‌های بالای اجتماع پیدا کنند (Fakouhi, 2014: 92).

یکی از مهم‌ترین دریافت‌های شرکت‌کنندگان در اردوهای جهادی، بی‌معناشدن شأن علمی در برابر نیاز منطقه یا در کنار سایر افرادی است که در اردو شرکت می‌کنند. در روستا، فرد در هر لحظه و در زمان واقعی با فضا و اتفاقات جدید مواجه می‌شود. تجربه در لحظه بدون توجه به پیش‌زمینه‌ها و دانسته‌های قبلی رخ می‌دهد و بیشتر مبتنی بر احساسات و واکنش‌های مستقیم به محیط و شرایط فعلی است. در چنین موقعیتی، عملاً انقطاع از شأن و موقعیت علمی رخ می‌دهد و افراد نمی‌توانند صرفاً براساس آنچه در دانشگاه آموخته‌اند تصمیم بگیرند. چه‌بسا فردی که دارای موقعیت دانشگاهی و علمی نیست و از افراد تحصیل‌کرده، توانمندی بالاتری در اتخاذ تصمیم و انتخاب مؤثر دارد. از جمله موقعیت‌هایی که دانشجویان در اردوهای جهادی با آن مواجه می‌شوند، این مسئله است. چه‌بسا آموزش‌ها یا منابعی که برای فعالیت در روستاها انتخاب شده و در موقعیت اجرا بی‌معنا می‌شود یا افراد در مواجهه با مردم روستا و نیازهای آن‌ها، باید تصمیم به تغییر رفتار، گفتار یا روش بگیرند.

جدول ۳. مقوله‌های فرعی مفهوم «انقطاع از جایگاه علمی و گسست تجربه انباشته و تجربه در لحظه»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
تغییر متون آموزشی	«اواسط اردو احساس کردم متن آموزشی کلاس‌هایی که برگزار می‌کنم به درد بچه‌های روستا نمی‌خورد، ولی نمی‌توانستم کلاس‌ها را تعطیل کنم و بگویم نمی‌روم. برای خودم جالب بود که هر روز با کلی استرس خودم را مجبور می‌کردم که چیزهای متفاوتی برای کلاس فردا آماده کنم.»
تغییر مفاد آموزشی	«من فکر می‌کردم کتاب‌خوانی یا آشنایی با کتاب برای دختران نوجوان جذاب باشد؛ درحالی‌که آن‌ها عمدتاً به دنبال یادگیری مسائل زندگی متأهلی بودند؛ چرا که دختران در روستاها در سنین پایین ازدواج می‌کنند.»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
تغییر نوع آموزش	«تعداد زیادی از خانم‌های روستا از ما درخواست آموزش‌های عملی مانند خیاطی داشتند؛ درحالی‌که کمتر به این مسئله توجه شده بود. در نتیجه قرار شد مربیان هر کدام اگر فن یا کاری بلد هستند، آموزش همان را شروع کنند.»
تغییر برنامه‌های عمومی فرهنگی	«برای روستاهای مختلف قرار بود پخش فیلم سینمایی به صورت دوره‌ای و پخش مستند روزانه داشته باشیم همراه با نقد فیلم. دو روز اول در چهار روستا با عدم اقبال مواجه شدیم. اهالی گفتند خانواده‌ها اینجا اکثراً ماهواره دارند و فیلم‌های ایرانی نمی‌بینند؛ درحالی‌که فیلم‌هایی که ما آماده کرده بودیم، اکران روز بود. در نتیجه برنامه اکران کلاً منتفی شد.»
بی‌معنا شدن آموزه‌های علمی	«من بار اولی بود که با تیم پزشکی می‌آمدم. بخشی از کار ما مشاوره دادن به افراد در روستا بود. تعداد قابل توجهی از خانم‌ها مشکلاتی با همسران داشتند که اگر در شهر قرار به مشاوره بود، احتمالاً شکایت و دادگاه خانواده جزوی از راهکارها به حساب می‌آمد، اما در اینجا اصلاً نمی‌توانستم به این گزینه اشاره کنم. در نتیجه نمی‌توانستم در همان جلسه به خانم‌ها راهکار خاصی ارائه کنم یا مجبور بودم راهکارهایی را بگویم که به لحاظ علمی متناقض با مسئله بود، اما احتمالاً در روستا و شرایط آنجا جواب می‌داد.»

۴-۳. معنایابی جمع فراغت و اشتغال در زندگی معطوف به هدف معنوی

پارکر (۱۹۷۶) در بررسی جامعه‌شناختی کار و فراغت بر این نکته تأکید می‌کند که زندگی کاری برخی از افراد به ساعات فراغتشان کشیده می‌شد (الگوی امتداد) که این افراد عمدتاً شامل افراد موفق در حوزه‌های مختلف از جمله دانشگاهی و فعالان عرصه مدنی بودند (Rastegar et al., 2017). دانشجویان معتقد بودند هدف معنوی به معنای داشتن مسیری در زندگی است که به رشد روحانی، دستیابی به معنای عمیق‌تر زندگی، و رسیدن به آرامش درونی و ارتباط با ارزش‌های الهی یا معنوی معطوف باشد. این هدف ممکن است شامل رشد شخصیتی، خدمت به دیگران یا تلاش برای پیوند با جهان یا خداوند باشد. تحت این معنا، فراغت به جای استراحت صرفاً جسمی، به تفکر درونی، مراقبه، نیایش و افزایش ارتباط با هدف معنوی اختصاص می‌یابد و به فرصتی برای تعمق در زندگی و معنای آن تبدیل می‌شود. در این حالت، کار صرفاً برای کسب درآمد نیست، بلکه بخشی از مسیری است که به هدف معنوی او خدمت می‌کند.

جدول ۴. مقوله‌های فرعی مفهوم «معنایابی جمع فراغت و اشتغال در زندگی معطوف به هدف معنوی»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
لذت حین کار	«علی‌رغم اینکه ما با فشردگی مشغول کاریم و خستگی زیادی هم دارد، ولی این نشاطی که اینجا تجربه می‌کنم در زندگی عادی و حتی وقتی مشغول تفریح هستم، کمتر پیش می‌آید.»
عدم تمایل به ایجاد موقعیت تفریحی	«طی اردو علی‌رغم خستگی زیاد، وقتی گفتن برای استراحت می‌تونیم بریم به شهر دیگه و پارک تفریحی، بچه‌ها مخالفت کردند. اینکه حتی به جای تفریح همه دارن روی کارشون تلاش و تمرکز می‌کنن هم جالب بود.»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
علاقه به گذراندن زمان فراغت در اردو به امور معنوی	«یکی از اتفاقات جالب، تمایل بچه‌ها به برگزاری مراسم دعا و مداحی و روضه‌ست. شاید فضای کار ما در روستا خیلی رویکرد معنوی یا ایثارگرایانه و به‌خاطر خدا نداشته باشه، اما با توجه به اتفاقاتی که در اردو می‌افته، آدم احساس می‌کنه نیاز داره به ارتباط بیشتر با خدا یا خلوت شخصی.»
تغییر برنامه‌های عمومی فرهنگی	«برای روستاهای مختلف قرار بود پخش فیلم سینمایی به‌صورت دوره‌ای و پخش مستند روزانه داشته باشیم همراه با نقد فیلم. دو روز اول در چهار روستا با عدم اقبال مواجه شدیم. اهالی گفتند خانواده‌ها اینجا اکثراً ماهواره دارند و فیلم‌های ایرانی نمی‌بینند؛ درحالی‌که فیلم‌هایی که ما آماده کرده بودیم، اگران روز بود. درنتیجه برنامه‌آکران کلاً متفی شد.»

۴-۴. فهم از عرف منطقه‌ای و نزدیکی با بوم متفاوت

هنگامی که انسان‌ها از فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر ملاقات می‌کنند، به کنش متقابل می‌پردازند و سعی در حل مسائل خود از طریق روابط درونی می‌کنند، چه اتفاقی می‌افتد (Casmir, 1989: 278). تماس بین فرهنگی به افراد توانایی می‌دهد که پیچیدگی‌های جامعه دیگر را دریابند و با افراد متعلق به فرهنگ دیگر نوعی همدلی به‌وجود آورند (Mowlana, 1997: 157).

توانایی تطبیق‌پذیری و هم‌افزایی با محیط‌های فرهنگی و جغرافیایی متفاوت با محل زندگی اصلی، یکی از ویژگی‌های مورد نیاز در اردوهای جهادی است. نزدیکی با این بوم‌ها نیازمند انعطاف‌پذیری، درک بین فرهنگی و توانایی تعامل مثبت با تفاوت‌های موجود است. این نزدیکی به فرد اجازه می‌دهد تا نه تنها تفاوت‌ها را درک کند و بپذیرد، بلکه بتواند از طریق تعامل مؤثر، به تبادل دانش و تجربه با جوامع مختلف بپردازد.

جدول ۵. مقوله‌های فرعی مفهوم «فهم از عرف منطقه‌ای و نزدیکی با بوم متفاوت»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
تفاوت فرهنگی میان دانشجویان و اهالی روستا	«نوع پوشش ما عمدتاً برای مردم بومی، غیرعادی محسوب می‌شود و ما را با نوع پوشش، به عنوان دختران شهری می‌شناسند.» «تفاوت‌های جدی در ارتباطات بین افراد در شهر و روستا معمولاً به این مسئله می‌انجامد که مردم روستا الگوی رفتاری شما را غیرطبیعی قلمداد می‌کنند.»
آشنایی با فرهنگ عرفی سایر دانشجویان	«برای من جالب بود که بین کسانی که در اردو شرکت کرده اند نیز تفاوت فرهنگی جدی است و این تفاوت بر میزان انعطاف‌پذیری افراد از شرایط محیطی اثر می‌گذارد.»
پذیرش حفظ عرف‌های بومی	«یکی از مهم ترین اثرات اردو برای من، ایجاد رویکرد مثبت به عادات عرفی در روستاها و پرهیز از نگاه دانشگاهی است که تلاش می‌کند روستا و شهر را همسان کند.»
فهم فرهنگی به‌منظور ایجاد ارتباط مؤثر	«اکثر مربیان تحت تأثیر رفتار خانم‌های روستا قرار گرفته بودند و این مسئله کمک می‌کرد تا دانشجویها به مرور بهتر با افراد ارتباط برقرار کنند.»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
تأثیر فهم عرف بومی بر آینده تحصیلی	«با توجه به رشته تحصیلی ام، دیدن رویکردهای بومی به مسائل اجتماعی در سطح کشور کمک کرد به انتخاب رشته و گرایش دوره ارشد.»

۴-۵. انقطاع از الگوهای مبتنی بر فاصله طبقاتی و بازیابی خود در شبکه جدید افراد

بورديو در بررسی رابطه طبقه اجتماعی و نسبت آن با هویت بر این مسئله تأکید دارد که افراد در جامعه براساس طبقات اجتماعی مشخصی (مثل طبقه اقتصادی، جایگاه خانوادگی، یا شغل) دسته‌بندی می‌شوند و فرصت‌ها و روابط اجتماعی‌شان براساس این دسته‌بندی‌ها شکل می‌گیرد. این نوع ساختارها با نام عادت‌واره به هویت و شیوه‌های تفکر، رفتار و ذائقه افراد شکل می‌دهند (Bourdieu, 2000: 138-139).

اردوی جهادی از عرصه‌هایی است که افراد را از قاعده‌مندی عادت‌واره رها می‌کند. پس از انقطاع از الگوهای طبقاتی، فرد باید هویت جدیدی در این شبکه اجتماعی برای خود پیدا کند. این شبکه جدید ممکن است شامل افرادی از طبقات، فرهنگ‌ها یا زمینه‌های اجتماعی مختلف باشد و روابط در این شبکه براساس ارزش‌های جدیدی مانند همکاری، توانمندی‌های فردی یا مهارت‌های اجتماعی شکل بگیرد. در این فرایند، فرد از چارچوب‌های قدیمی جدا می‌شود و به شکلی پویا وارد شبکه‌های جدیدی می‌شود که به او امکان می‌دهد بدون محدودیت‌های طبقاتی، جایگاه و هویت اجتماعی خود را بازتعریف کند.

جدول ۶. مقوله‌های فرعی مفهوم «انقطاع از الگوهای مبتنی بر فاصله طبقاتی و بازیابی خود در شبکه جدید افراد»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
تفاوت سبک زندگی طبقه برخوردار در روستا با شهر	«تفاوت سبک زندگی روستا و شهر اگرچه به نظر می‌آید کمتر شده باشد، همچنان در روابط فAMILIARY تفاوت زیادی وجود دارد. علی‌رغم اینکه برخی از اهالی روستا جزو متمولین و ساکنین شهر بودند، نوع زندگی و ارتباط با بقیه اهالی روستا، در پایین‌ترین سطح بود؛ مسئله‌ای که در تهران ندیده‌ام.»
انجام فعالیت‌های خارج از شأن طبقه	«بین دانشجویایی که همسفر بودیم، برای برخی از بچه‌ها، شستن لباس با دست، شستن سرویس‌های بهداشتی و حمام یک عادت بود؛ درحالی‌که من تا این سفر، چنین کاری نکرده بودم و با توجه به نوبت‌گذاری، مجبور به انجام شدم. ترجیح دادم به خانواده هم نگویم؛ چون اگر می‌دانستند چنین کارهایی انجام می‌شود، اجازه حضور در اردو را نمی‌دادند.»
پذیرش عادات طبقه روستایی	«چند روزی به دلیل نقص فنی ماشین، بین روستاها با خر رفت‌وآمد کردیم. واقعاً تجربه جدیدی بود و احتمالاً دیگر تکرار هم نخواهد شد. ابتدا به دلیل اینکه بلد نبودم، بچه‌های روستا کلی خندیدند، اما بعد حتی وقتی ماشین آمد، برای اینکه ارتباط با بچه‌ها را حفظ کنم، ترجیح دادم با خر مسیر را بروم و بیایم.»

مقوله‌های فرعی	مصاحبه‌ها
پذیرش عادات طبقه پایین	«روی زمین خوابیدن با پتوهای سربازی احتمالاً بزرگ‌ترین مشکل من با این اردوها بود، اما بخشی از همسفرها دقیقاً به خاطر همین تجربیات، به چنین سفرهایی می‌آیند. حقیقتاً فکر می‌کنم حساسیت‌هایم برای سفر رفتن کم شده و پذیرفته‌ام می‌توان این‌گونه نیز زندگی کرد.»
تلاش برای همنوایی با مردم روستا	«به‌عنوان مربی در تهران، مسئله لباس در پذیرش دانش آموزان و والدین کاملاً جدی است؛ درحالی‌که بین بچه‌های روستا، مربیانی که پوشش‌های ساده و حتی شبیه روستاییان داشتند، مثل پیرهن‌های گل‌گلی، هم زودتر با بچه‌ها ارتباط برقرار کردند و هم اهالی روستا موقع صحبت، با آن‌ها بیشتر طرف حساب بودند. من مجبور شدم از برخی همسفرها لباس بگیرم و دور لباس‌های خودم را خط کشیدم.»
تلاش برای همنوایی با همسفرهایی که به لحاظ شأن خانوادگی متفاوت بودند	«بین همسفرهای اردو برای انجام کارهای داخلی، حالتی مثل مسابقه رخ داده بود. شستن ظرف‌ها، جارو، تمیز کردن حیاط و خوابگاه، حتی نوشتن گزارش، و جالب است که خیلی از بچه‌ها قبل از این سفر، تجربه خیلی از این کارها را نداشتند. عملاً دخترها برای همنوایی با بقیه و افزایش محبوبیت نمی‌توانستند تا این حد تلاش کنند. به نظرم در کنار این‌ها، بحث جمع کردن ثواب هم مهم بود. همین‌طور نشان دادن اینکه ما بچه سوسول شهری نیستیم.»

۵. بحث

آنچه بین مصاحبه‌شوندگان نکته کلیدی مشترک بود، تغییر الگوی هویتی و ایجاد زمینه جدیدی از کشف خود در اردوهای جهادی با محوریت هدف معنوی است که معمولاً در سایر سفرها رخ نمی‌دهد. این تجربه، افراد را از محیط‌های معمول و ساختارهای اجتماعی رایج جدا می‌کند و آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که از نظر معنوی و انسانی چالش‌برانگیز و تحول‌آفرین است.

۵-۱. انقطاع از هویت‌های قبلی

افرادی که به اردوهای جهادی می‌پیوندند، معمولاً از محیط‌های شهری و طبقات اجتماعی متفاوتی می‌آیند و ممکن است هویت‌های آن‌ها براساس شغل، تحصیلات، موقعیت اجتماعی یا وضعیت اقتصادی تعریف شده باشد. اما در محیط اردوی جهادی، این هویت‌ها موقتاً کنار گذاشته می‌شود؛ زیرا همه افراد با هدفی مشترک و در شرایطی مشابه فعالیت می‌کنند. در اینجا تفاوت‌های طبقاتی و اجتماعی معنای خود را از دست می‌دهند و افراد براساس توانایی‌ها و تلاش‌هایشان در خدمت به جامعه ارزیابی می‌شوند.

۵-۲. تغییر الگوی هویتی

در چنین محیطی، فرد به تدریج شروع به بازتعریف هویت خود می‌کند. هویت او دیگر وابسته به جایگاه اجتماعی یا شغل نیست، بلکه به کیفیت خدمت و تلاشش در کمک به دیگران مربوط

می‌شود. کار در شرایط سخت و دور از امکانات رفاهی، فرد را به درک عمیق‌تری از خود و توانایی‌هایش می‌رساند. از این‌رو، الگوی هویتی جدیدی شکل می‌گیرد که براساس همدلی، همکاری و فداکاری استوار است.

۳-۵. هدف معنوی

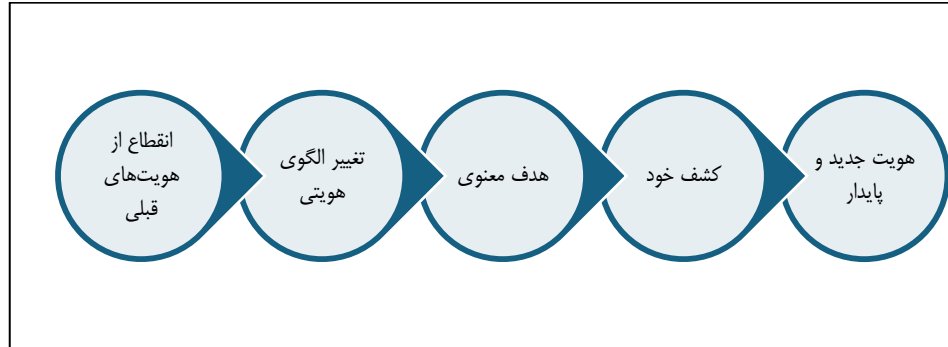
در این فرایند، هدف معنوی نقشی اساسی دارد. بسیاری از افرادی که به اردوهای جهادی می‌روند، با نیت معنوی و اخلاقی مانند کمک به نیازمندان، اصلاح وضعیت اجتماعی یا رشد روحی خود در این فعالیت‌ها شرکت می‌کنند. این هدف معنوی به‌عنوان نیروی محرکه‌ای عمل می‌کند که فرد را به حرکت وامی‌دارد و به او انگیزه می‌دهد تا فراتر از خود و منافع شخصی فکر کند. با توجه به اینکه این هدف‌ها اغلب ریشه در ارزش‌های عمیق انسانی و مذهبی دارند، شرکت‌کنندگان به تدریج در طول تجربه خود احساس می‌کنند هویتی معنوی به‌دست آورده‌اند که آن‌ها را به جامعه و به دیگران پیوند می‌دهد.

۴-۵. کشف خود

در جریان این تغییرات، فرد به نوعی کشف جدید از خود دست می‌یابد. این کشف می‌تواند شامل درک عمیق‌تر از معنای زندگی، ارزش‌های شخصی و توانمندی‌هایی باشد که قبلاً در خود نمی‌دید. افراد ممکن است از توانایی خود در فائق آمدن بر مشکلات و همکاری با دیگران شگفت‌زده شوند و به این باور برسند که قادرند تأثیری مثبت و معنادار در زندگی دیگران بگذارند. این فرایند به نوعی بازشناسی از خود واقعی و ارتباطی جدید با هدف‌های والاتر و معنوی‌تر منجر می‌شود.

۵-۵. هویت جدید و پایدار

درنهایت، ترکیب این عوامل (انقطاع از هویت قبلی، تغییر الگوی هویتی، هدف معنوی و کشف خود) به فرد این امکان را می‌دهد تا پس از اردو، با هویتی جدید و پایدار به زندگی بازگردد. این هویت جدید اغلب با ارزش‌های معنوی، احساس مسئولیت اجتماعی و درکی عمیق‌تر از مفهوم زندگی مشترک با دیگران همراه است. به عبارت دیگر، فرد نه تنها به یک تجربه کوتاه‌مدت و موقت پرداخته، بلکه از طریق این اردو، تغییرات عمیق و ماندگاری در شناخت خود و نحوه تعامل با جهان پیرامونش تجربه کرده است.



نمودار ۱. مسیر تأثیر اردوهای جهادی بر هویت

نتایج نشان می‌دهد براساس آنچه نظریه‌پردازانی مانند آنتونی گیدنز مطرح کرده‌اند، اتفاقات و پدیده‌ها در دنیای مدرن سبب بازاندیشی در هویت فردی و جمعی می‌شود و تغییرات به مرور زمان در هویت افراد پایدار می‌شود.

تجربیات دو دهه اخیر در برگزاری اردوهای جهادی به اذعان فعالان این حوزه معمولاً با اقبال بیشتر دانشجویان دختر مواجه است که این مسئله معمولاً به دلیل فراغت شغلی دختران در نسبت با پسران توجیه می‌شود. اما به نظر می‌رسد با توجه به مطالعات نظری صورت گرفته، اشتیاق بانوان به کمک‌های داوطلبانه و فعالیت‌های خیریه‌ای بیش از مردان است. توسعه این اردوها در قالب‌های گوناگون فرهنگی، آموزشی، عمرانی، مشاوره‌ای و پزشکی و نیز تنوع مناطق برگزاری سبب شده افراد با علایق و توانمندی‌های گوناگون بتوانند در اردوها شرکت کنند.

آنچه عمدتاً در توصیف تجربه سفر توسط دانشجویان دختر بیان شد، شامل تحول در شناخت اجتماعی از خود و نسبت آن با اجتماع غیرهمسانی است که هم در محیط درونی اردو و هم در منطقه برگزاری اردو معنا می‌یابد. به دلیل آنکه بسیاری از دانشجویان، محیط‌هایی شبیه به زندگی خوابگاهی را تجربه نمی‌کنند، معنای جمع‌بودگی با افراد مختلف در چنین اردوهایی با هدف معنوی که در واقع خارج از چارچوب‌های زندگی عادی روزانه است، برای افراد حس و تجربه متفاوتی را به دنبال دارد.

نتایج نشان می‌دهد دختران ابتدا با دلایلی مانند تجربه کردن فعالیت متفاوت، رضای خدا، فداکاری، تجربه زندگی جمعی، دیدن مردم و مناطق متفاوت در این اردوها شرکت می‌کنند، اما پس از اردو بیشتر به دلیل کشف خود و توانمندی‌ها در ارتباط با سایرین و تفاوت با زندگی شهری و به‌ویژه حس مفیدبودن تصمیم به تکرار چنین اردوهایی می‌گیرند.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تجربه زیسته ۲۱ دختر دانشجو از اردوهای جهادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پنج مقوله یا مفهوم اصلی استخراج شد که مصاحبه‌های انجام شده ذیل آن‌ها دسته‌بندی شدند. پس از احصای مقوله‌ها، نتیجه نهایی در اختیار افراد قرار گرفت که جمع‌بندی آن‌ها از مفاهیم اصلی به شرح زیر است:

- تلفیق جمع‌بودگی و گسست از جمع؛
 - انقطاع از جایگاه علمی و گسست تجربه انباشته و تجربه در لحظه؛
 - معنایابی جمع فراغت و اشتغال در زندگی معطوف به هدف معنوی؛
 - فهم از عرف منطقه‌ای و نزدیکی با بوم متفاوت؛
 - انقطاع از الگوهای مبتنی بر فاصله طبقاتی و بازیابی خود در شبکه جدید افراد.
- در این اردوها، افراد در محیط جدید خود را در شبکه تازه‌ای از روابط اجتماعی بازمی‌یابند. این شبکه بر مبنای همدلی، همکاری و تجربه‌های مشترک شکل می‌گیرد و به افراد این فرصت را می‌دهد تا هویت اجتماعی خود را فراتر از چارچوب‌های طبقاتی و براساس توانمندی‌های فردی و تجربه‌های تازه بازتعریف کنند. این تعاملات در اردوهای جهادی نوعی هم‌ترازی و بازتعریف از نقش‌ها و جایگاه اجتماعی فرد به وجود می‌آورد که براساس اهداف انسانی و معنوی مشترک شکل می‌گیرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- گسترش مطالعات مرتبط با تجربه‌نگاری دختران به منظور بهبود برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان جنسیت‌محور؛
- حمایت از مطالعات مرتبط با تجربه‌نگاری جنسیت‌محور؛
- توسعه اردوهای جهادی در تمام مناطق ایران به منظور آشنایی افراد با بوم ایرانی؛
- افزایش ظرفیت اردوهای جهادی برای حضور بانوان؛
- توسعه برگزاری اردوهای معنوی برای دانشجویان همراه با اشتغالات جسمی و فکری؛
- ایجاد زمینه ثبت تجربیات افراد درباره سفرهای جهادی؛
- ایجاد زمینه فعالیت‌های داوطلبانه با رویکرد خدمت‌رسانی در ابعاد مختلف.

۷. تعارض منافع

این مقاله برگرفته از رساله دکتری سیده فاطمه نعمتی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است و در آن هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abdullahi, M. (2004). Women and civil institutions, issues, obstacles and strategies of women's civil participation in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 5(2), 62-99.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1383.5.2.3.2> (In Persian)
- Andreoni, J., Brown, E., & Rischall, I. (2003). Charitable giving by married couples: Who decides and why does it matter? *Journal of Human Resources*, 38, 111-133. <http://jhr.uwpress.org/cgi/reprint/XXXVIII/1/111>
- Aoun, I., & Tournois, L. (2015). Building holistic brands: An exploratory study of Halal cosmetics. *Journal of Islamic Marketing*, 6(1), 109–132.
<https://doi.org/10.1108/JIMA-05-2014-0035>
- Arriola, K. R. J., Hermstad, A., Flemming, S. S. C., & Honeycutt, S. (2017). Promoting Policy and Environmental Change in Faith-Based Organizations: Description and Findings from a Mini-Grants Program. *American Journal of Health Promotion*, 31(3), 192–199.
<https://doi.org/10.4278/ajhp.150212-QUAN-724>
- Arweck, E., & Nesbitt, E. (2010). Young People's Identity Formation in Mixed-Faith Families: Continuity or Discontinuity of Religious Traditions?. *Journal of Contemporary Religion*, 25, 67-87.
- Benoist, A. D. (2004). *On Identity, Originally appeared in éléments113*. Translated by: K. Ack-erman and Julia Kostova. Retrieved from: www.alaindebenoist.com/pdf/on_identity.pdf
- Bielefeld, W., & Cleveland, W. (2013). Faith-Based Organizations as Service Providers and Their Relationship to Government. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 42(3), 468-494.
<https://doi.org/10.1177/0899764013485160>
- Bodlai, H. (2018). *Phenomenology Research Method*. Tehran: Andisheh Ehsan. (In Persian)
- Borchgrevink, K., & Erdal, M. B. (2017). With faith in development: Organizing transnational Islamic Charity. *Progress in Development Studies*, 17(3), 214–228. <https://doi.org/10.1177/1464993417713276>.

- Bourdieu, P. (2000). *Pascalian Meditations*. Translated by: R. Nice. Oxford: Polity Press.
- Bureau of Labor Statistics. (2009). *Volunteering in the United States, a supplement to the September 2009 Current Population Survey*. Washington, DC: United States Department of Labor. Retrieved September 15, 2010, from <http://www.bls.gov/news.release/pdf/volun.pdf>
- Carino, T. C. (2016). Faith-based organisations between service delivery and social change in contemporary China: The experience of Amity Foundation. *Hervormde Teologiese Studies*, 72(4), 1–10. <https://doi.org/10.4102/hts.v72i4.3504>
- Casmir, F. L., & Asuncion-Lande, N. C. (2012). Intercultural communication revisited: Conceptualization, paradigm building, and methodological approaches. In *Communication yearbook 12* (pp. 278-309). Routledge.
- Clarke, G. (2006). Faith matters: Faith-based organisations, civil society and international development. *Journal of International Development*, 18(6), 835–848. <https://doi.org/10.1002/jid.1317>
- Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches*. SAGE Publications.
- Davis, J.-M. (2019). Comparing the Prevalence and Organizational Distinctiveness of Faith-Based and Secular Development NGOs in Canada. *VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 30, 1380–1392. <https://doi.org/10.1007/s11266-018-00072-6>
- Eftekhari, Asghar, & Hosseinzadeh, A. (2016). Social Functions of Islamic Revolution: A Study of Jihadi Camps. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(2), 7-28. https://irsj.ihu.ac.ir/article_200206.html (In Persian)
- Erikson, E. H. (1956). The Problem of Ego Identity. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 4(1), 56-121. <https://doi.org/10.1177/000306515600400104>
- Fakouhi, N. (2014). Homo Academicus Iranicus and the Linguistic Question. *Journal of Iranian Social Studies*, 8(3), 90-108. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20083653.1393.8.3.5.5>
- Furrow, J. L., King, P. E. & White, K. (2004). Religion and Positive Youth Development: Identity, Meaning, and Prosocial Concerns. *Applied Developmental Science*, 8, 17–26. http://dx.doi.org/10.1207/S1532480XADS0801_3

- Ghaderzadeh, O., & Rezazadeh, F. (2020). A Study of the Lived Experience and the Perception of Women from Participation in Civic Associations. *Sociology of Social Institutions*, 6(14), 63-96. <https://doi.org/10.22080/ssi.2020.15416.1535> (In Persian)
- Ghaderzadeh, O., & Yousefvand, H. (2013). Sociological Factors Effective in Women's Civic Participation. *Woman in Development and Politics*, 10(4), 101-126. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.30577> (In Persian)
- Ghanbari Barzian, A., & Hemmati, R. (2015). Religious Identity in Iranian Society: A Systematic Review of Previous Studies (2001-2013). *Journal of Applied Sociology*, 26(3), 117-138. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1394.26.3.7.5> (In Persian)
- Giddens, A. (2010). *Beyond Left and Right: The Future of Radical Politics*. Translated by: M. Salasi. Tehran: Scientific Publication.
- Hesse-Biber, S. N., & Leavy, P. L. (2007). *Feminist Research Practice: A Primer*. SAGE Publications.
- Independent Sector. (2001). *Giving and volunteering in the United States: Findings from a national survey*. Washington, DC: Independent Sector. <https://doi.org/10.3886/ICPSR35584.v1>
- Jacinto, E., Figueiredo Dalla Costa Ames, M. C., Serafim, M. C., & Zappellini, M. B. (2023). Religion-Spirituality Influences in the Governance of Faith-Based Organizations during the Covid Pandemic. *Public Organization Review*, 23(2), 531-550. <https://doi.org/10.1007/s11115-023-00704-6>
- Jahangiri, T., & Shokrizadeh, T. (2019). Investigating the effect of social capital on the performance of women's non-governmental organizations from the perspective of members in Shiraz. *Women and Society*, 1(3), 105-120. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_253.html (In Persian)
- Javadi Yeganeh, M. R., Azizi, J., & Ansari, M. R. (2013). International Mass Media and Religious Identity among the Youth of Shiraz. *Sociology of Social Institutions*, 1(1), 83-102. https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_727.html (In Persian)
- Koehrsen, J., & Heuser, A. (2020). *Faith-Based Organizations in Development Discourses and Practice. Beyond established boundaries: FBOs as developmental entrepreneurs* (1st Ed.). Routledge Studies in Religion and Politics. Taylor and Francis.
- Lehmann, K. (2016). *Religious NGOs in international relations: The construction of 'the religious' and 'the secular'*. Routledge.

- MacLean, P., Bridgemohan, A., & Meinhard, A. (2016). Bridges over Troubled Water: The Role of Faith in Creating Social Capital. *International Journal of Public Theology*, 10(1), 93–115. <https://doi.org/10.1163/15697320-12341430>
- Martikainen, T. (2016). Multilevel and pluricentric network governance of religion. In T. Martikainen & F. Gauthier (Eds.), *Religion in the neoliberal age: Political economy and modes of governance* (pp. 129–142). Routledge.
- Mesch, D. J., Rooney, P. M., Steinberg, K. S., & Denton, B. (2006). The Effects of Race, Gender, and Marital Status on Giving and Volunteering in Indiana. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 35(4), 565-587. <https://doi.org/10.1177/0899764006288288>
- Mohammadi, M. (2023). A study of lived experiences of female students from girlhood (A case study of female students of Alborz Farhangian University). *Woman in Development and Politics*, 21(1), 137-113. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.345930.1008233> (In Persian)
- Mohseni, R. A., Khoshfar, Gh. R., Babaei, Gh. A., & Ebrahimi, M. (2013). The Study of Effective Factors on Women's Motivation for Participation in NGO's. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 4(14), 167-190. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_259.html (In Persian)
- Mowlana, H. (1996). *Global Communication in Transition*. The End of Diver London, Sage.
- Musick, M. A., & Wilson, J. (2008). *Volunteers: A social profile*. Indianapolis: Indiana University Press.
- Oakley, A. (2016). *Sex, Gender and Society*. Routledge.
- Power, M., Small, N., Doherty, B., Stewart-Knox, B., & Pickett, K. (2017). “Bringing heaven down to earth”: The purpose and place of religion in UK food aid. *Social Enterprise Journal*, 13(3), 251–267. <https://doi.org/10.1108/SEJ-06-2017-0035>
- Prideaux, M., & Dawson, A. (2018). Interfaith activity and the governance of religious diversity in the United Kingdom. *Social Compass*, 1–15. <https://doi.org/10.1177/0037768618787241>
- Rastegar, Y., Iman, M., Soroush, M., & Ebrahimi, S. (2017). Semantic Implications of Leisure among Isfahani Citizens: A Qualitative Research. *Journal of Applied Sociology*, 28(4), 139-154. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.75230.0>

- Rooney, P., Brown, E., & Mesch, D. (2007). Who decides in giving to education? A study of charitable giving by married couples. *International Journal of Educational Advancement*, 7, 229-242.
<http://dx.doi.org/10.1057/palgrave.ijea.2150063>
- Seol, K.O. (2010). *Religious identity as mediator between religious socialization from parents, Peers and mentors and psychological well-being and adjustment among Korean American adolescents of the University of Minesota*. Phd Thesis.
- Tabrizikahou, G., Tabrizi, S., & Boroumand Mahmoudabadi, M. (2024). Phenomenography of perceived social support in women heads of households. *Woman in Development and Politics*, 22(2), 487-509.
<https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.364022.1008371> (In Persian)
- Taniguchi, H. (2006). Men's and women's volunteering: Gender differences in the effects of employment and family characteristics. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 35, 83-101.
<https://doi.org/10.1177/0899764005282481>
- Taybnia, M., & Rabbani Esfahani, H. (2018). Investigating factors affecting women's participation in voluntary charitable activities. *Islamic Social Studies*, 24(117), 135-158. https://iss.razavi.ac.ir/article_95.html (In Persian)
- Taylor, M. (2012). Strengthening the voice of the poor: Religious organisations' engagement in policy consultation processes in Nigeria and Tanzania. *Development in Practice*, 22(5-6), 792-802.
<http://dx.doi.org/10.2307/41723139>
- Wilson, J., & Musick, M. (1997). Who cares? Toward an integrated theory of volunteer work. *American Sociological Review*, 62(5), 694-713.
<https://doi.org/10.2307/2657355>